



فهرست مطالب

۲	 اقوال در دلالت صیغه امر بر وجوب یا ندب
۲	 قول اول عدم دلالت صیغه بر استحباب و وجوب
۲	 قول دوم دلالت صیغه امر بر استحباب
۲	 قول سوم دلالت صیغه امر بر وجوب
۲	 وجه و دلیل دلالت صیغه امر بر وجوب
۳	 نظریه اول: دلالت وضعی صیغه امر بر وجوب
۳	 نظریه دوم: انصراف صیغه امر به وجوب
۳	 نظریه سوم دلالت صیغه بر وجوب به واسطه اطلاق و مقدمات حکمت
۳	 نظریه چهارم حکم عقل به دلالت صیغه بر وجوب
۴	 تفاوت وجوب و ندب
۴	 اقسام چهارگانه تمایز در فلسفه
۴	 نظریات در تمایز وجوب و ندب
۵	 نظریه اول تمایز به بعض ذات
۵	 نظریه دوم تمایز به اعراض خارجی
۵	 نظریه سوم تمایز تشکیکی



بسم الله الرحمن الرحيم

اقوال در دلالت صیغه امر بر وجوب یا ندب

دومین بحثی که در ذیل صیغه امر بعد بحث از موضوع له آن، وجود دارد این است که مدلول صیغه امر آیا وجوب است یا استحباب؟ در پاسخ به این سؤال سه قول وجود دارد.

قول اول عدم دلالت صیغه بر استحباب و وجوب

نظریه اول این است که صیغه امر بر هیچ‌یک از ندب و وجوب دلالتی ندارد و ظهور و استعمال صیغه امر طلب مطلق است و هر یک از وجوب و ندب نیاز به قرینه خاص دارد.

قول دوم دلالت صیغه امر بر استحباب

نظریه دومی که در مقام وجود دارد، نظریه صاحب معالم می‌باشد که مدلول صیغه امر را استحباب و ندب می‌داند.

قول سوم دلالت صیغه امر بر وجوب

نظریه سوم در مقام که نظریه غالب متأخرین و محققین می‌باشد، این است که صیغه امر دلالت بر وجوب دارد و لذا هرکجا صیغه امر بدون قرینه به کار رفت، حمل بر وجوب می‌شود. تقریباً دو قول اول جایگاهی بین متأخرین ندارند

وجه و دلیل دلالت صیغه امر بر وجوب

البته در دلیل و وجه دلالت صیغه امر بر وجوب تقریرات و توجیهات مختلفی وجود دارد که البته این اختلافات این گونه نیست که صرفاً یک بحث تحلیلی صرف و علمی باشد بلکه این اختلافات ثمره عملی در فقه دارد که شهید صدر از همه بهتر به این آثار عملی اشاره کرده‌اند. در بین این وجوهی که ذکر می‌شود نظریه سوم و چهارم بین محققین مطرح و رواج دارد و نظریه اول و دوم جایگاهی ندارد.



نظریه اول: دلالت وضعی صیغه امر بر وجوب

نظریه اول در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب این است که وجوب، جز موضوع له صیغه امر می‌باشد و به دلالت وضعی صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند و دلالت آن بر ندب از باب مجاز می‌باشد البته این مجاز، مجاز شایع می‌باشد و اوامر ندبی در شریعت و محاورات عرفی کم نداریم. مرحوم صاحب کفایه قائل به این نظریه می‌باشد و دلیل ایشان هم تبادر که علامت حقیقت است، می‌باشد. البته بعد از ایشان این نظریه طرفداری ندارد.

نظریه دوم: انصراف صیغه امر به وجوب

نظریه دوم در مقام وجه دلالت صیغه امر بر وجوب، انصراف صیغه امر به وجوب می‌باشد و علت آن هم کثرت استعمال صیغه امر در وجوب به حدی که در مقام استعمال و تحاور ذهنی، وجوب منسب به ذهن می‌باشد؛ و علت انصراف هم صرف کثرت استعمال در خارج نیست بلکه کثرت استعمال به همراه تحاور و انسباق ذهنی در مقام استعمال وجه انصراف می‌باشد.

نظریه سوم دلالت صیغه امر بر وجوب به واسطه اطلاق و مقدمات حکمت

نظریه سوم در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب این است که این دلالت از باب اطلاق و تمام بودن مقدمات حکمت می‌باشد و مقتضای اطلاق در مقام تعیین احد الاقسام می‌باشد. این نظریه اطلاق و مقدمات حکمت در کلام علما با تقریرات متفاوتی بیان شده است که البته از بین این تقریرها، شش تقریر مهم است که تقریر اول و دوم در کلمات محقق عراقی وجود دارد و تقریر سوم و چهارم هم در کلمات شهید صدر به آن اشاره شده است و تقریر پنجم هم تقریر مختار شهید صدر می‌باشد که در جلد دوم بحوث فی علم الاصول مطرح شده است و تقریر ششم هم تقریر مرحوم آقای تبریزی می‌باشد.

نظریه چهارم حکم عقل به دلالت صیغه امر بر وجوب

نظریه چهارم در مقام برخلاف سه نظر قبلی که دلالت صیغه امر بر وجوب را به دلالت لفظی می‌دانستند، دلالت صیغه امر به وجوب را از باب حکم عقل می‌داند و می‌گوید این دلالت از دایره دلالت الفاظ خارج است. چهار تقریر مهم از



حکم عقل در مقام وجود دارد که تقریر آقای نائینی در اجود التقریرات، تقریر آیت الله عبدالکریم حائری مؤسس حوزه قم، تقریر امام خمینی و تقریر آقای خویی می باشند.

تفاوت وجوب و ندب

احکام تکلیفی به پنج قسم تقسیم می شوند که عبارت اند از وجوب، ندب، حرمت، کراهت و اباحه. مقدمه ای که قبل از بیان تفصیلی نظریات بالا، لازم به ذکر است و در مباحث تفصیلی مقام، مثمر ثمر می باشد، تفاوت میان ندب و وجوب می باشد البته این بحث درباره کراهت و حرمت هم وجود دارد و عیناً در آنجا هم جاری می شود.

اقسام چهارگانه تمایز در فلسفه

در مباحث فلسفی تمایز بین دو چیز بر چهار قسم است.

قسم اول تمایز در فلسفه تمایز به تمام ذات می باشد مانند تمایز اجناس عالیّه که به تمام ذات باهم تباین دارند و هیچ گونه جنس مشترکی باهم ندارند.

قسم دوم تمایز در فلسفه تمایز به بعض ذات می باشد یعنی جنس مشترک دارند اما فصل هایشان از هم جداست مانند انسان و غنم که جنسشان مشترک است اما فصل انسان و غنم از هم جداست و تمایزشان به فصلشان می باشد.

قسم سوم تمایز، تمایز به منضمات و یا به تعبیری به عوارض خارج از ذات است یعنی به خصوصیات صنفی یا شخصی مانند ایرانی و افغانی یا انسان سیاه و سفید که هردو فرد، جنس و فصلشان مشترک است اما تمایز آنها به سیاهی و سفیدی و یا ... می باشد.

قسم چهارم تمایز تشکیکی است که این قسم را ملاصدرا بیان کرده است که ما به الامتیاز و ما به الافتراق کل یرجع الی الآخر.

نظریات در تمایز وجوب و ندب

از بین اقسام چهارگانه تمایز، سه قسم آن در رابطه با تمایز وجوب و ندب محتمل است.



نظریه اول تمایز به بعض ذات

نظریه اول در تمایز بین وجوب و ندب، تمایز به بعض ذات می‌باشد به این بیان که وجوب و ندب هر دو طلب هستند و حقیقت هر دو همان نسبت بعثیه می‌باشد که این نسبت بعثیه جنس آن دو می‌باشد اما فصل آن دو متفاوت می‌باشد. این قسم تمایز بین کراهت و حرمت هم می‌باشد به این بیان که زجر و منع جنس آن دو می‌باشد و در جنس مشترک‌اند اما در فصل باهم تفاوت دارند. این نظریه، نظریه مشهور بین متقدمین می‌باشد.

نظریه دوم تمایز به اعراض خارجی

نظریه دوم در مقام این است که تمایز بین وجوب و ندب، تمایز به بعض ذات نیست بلکه تمایز به اعراض خارجی می‌باشد یعنی فصل و جنس آن دو مشترک است اما در عوارض خارج از ذات با هم تفاوت دارند که آقای پروجردی قائل به این نظریه می‌باشند.

نظریه سوم تمایز تشکیکی

نظریه سوم در تمایز وجوب و ندب این است که وجوب و ندب مراتب یک حقیقت واحده هستند که تمایز تشکیکی دارند که مشهور متأخرین مانند آقا ضیاء عراقی، مرحوم اصفهانی و صاحب کفایه قائل به این نظریه می‌باشند.